

ماهیت «برجام» از منظر حقوق بین‌الملل

امید ملاکریمی^۱، محمود جلالی^{۲*}

چکیده

به نظر حقوق دانان «برجام» را هم می‌توان موافقت‌نامه‌ای بین‌المللی و تفاهم‌نامه‌ای غیرالزام‌آور تلقی کرد و هم برای آن ماهیتی غیر از معاهده در نظر گرفت. برای پاسخ به این پرسش که برجام معاهده بین‌المللی است یا صرفاً یک تفاهم سیاسی بین جمهوری اسلامی ایران با گروه ۵+۱، از یک سو باید به متن ۱۶۷ صفحه‌ای برجام مراجعه کرد و از سوی دیگر باید قواعد حاکم بر حقوق بین‌الملل و قوانین کشورهای مذاکره‌کننده را مورد توجه قرار داد. هرچند در متن برجام سخنی از معاهده بودن آن به میان نیامده است، اما با مراجعه به حقوق داخلی و بین‌الملل، می‌توان آن را موافقت‌نامه بین‌المللی به حساب آورد. دولت ایالات متحده آمریکا قبل و بعد از رسانه‌ای شدن متن برجام و بعد از آنکه از مجاری قانونی دو کشور -کنگره آمریکا و مجلس شورای اسلامی ایران- به سلامت عبور کرد، اصرار دارد که برجام یک معاهده بین‌المللی نیست و نمی‌توان برای آن اعتبار حقوقی مبرهنی در نظر گرفت. مقامات دستگاه دیپلماسی کشور نیز ادبیاتی مشابه دولتمردان آمریکایی اتخاذ و تأکید کرده‌اند؛ آنچه اتفاق افتاده، یک تفاهم‌نامه است و نه یک موافقت‌نامه الزام‌آور که کشورهای طرف مذاکره را در چالشی به نام «ضمانت اجرا» تحدید کند. در این مقاله ضمن مذاکره در ارتباط بین قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت و برجام، بررسی خواهد شد که چرا سند برجام را باید یک موافقت‌نامه بین‌المللی به حساب آورد. همچنین، در این مقاله ماهیت برجام بررسی و با استدلال‌های حقوقی بر این امر که این سند یک موافقت‌نامه سیاسی یا نزاکتی است تأکید خواهد شد.

کلیدواژه‌ها

برجام، حقوق معاهدات، حقوق بین‌الملل، شورای امنیت.

۱. دانشجوی دوره دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

Email: mollakarimi.omid@gmail.com

۲. دانشیار گروه حقوق دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

Email: m.jalali@ase.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱۳

مقدمه

ملاحظات مقدماتی

مذاکرات هسته ای ایران و گروه ۵+۱ (ایالات متحده، انگلستان، فرانسه، آلمان، چین و روسیه) که نهایتاً پس از ۲۲ ماه مذاکرات فشرده در ۲۳ تیرماه ۹۴ در وین با رسانه ای شدن متن برجام -برنامه جامع اقدام مشترک^۱- خاتمه یافت و به صدور قطعنامه شورای امنیت منجر شد، باید در همه ابعاد بررسی و واکاوی شود. این توافق یک اتفاق نادر و کم سابقه در حوزه حقوق بین الملل به شمار می آید، اما اینکه توافق مذکور از چه ماهیتی برخوردار است سؤالی است که در این نوشتار به آن پاسخ داده خواهد شد. این توافق در عصر حاضر از آن منظر حائز اهمیت است و به منزله نقطه عطفی در حقوق بین الملل به شمار می رود که یک کشور در حال توسعه توانست در خصوص یک معضل بین المللی با جامعه بین المللی، پنج قدرت بزرگ دنیا و اتحادیه اروپا پای میز مذاکره بنشیند و در جایگاهی برابر با آن ها تعامل داشته باشد، چانه زنی کند و طرف مذاکره کننده نیز رویکرد مثبتی در این خصوص داشته باشد. به طور کلی این توافق دو ویژگی خاص و نوین دارد: نخست، نحوه الزام آوردن برجام در حقوق بین الملل است و دیگر، منضم بودن به قطعنامه شورای امنیت که عمدتاً تحت فصل هفتم منشور ملل متحد صادر شده و برای همه اعضای سازمان ملل لازم الاتباع است.

در متن برجام در خصوص نحوه اجرای تعهدات یا نقض آن به طور مشروح بحث شده و نقض تعهدات مندرج در قطعنامه شورای امنیت را موجب بازگشت پذیری تحریم ها ندانسته است و در آن تأکید می شود که مفاد قطعنامه نباید ذیل متن و تعهدات مندرج در برجام به شمار آید.^۲ با این حال، متن برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت از هر حیث با توافق نامه ها و قطعنامه های پیش از خود متفاوت است که در ادامه به تعدادی از آن ها اشاره می شود: دو و چندپهلوی، پیچیده و تفسیرپذیر بودن واژگان و ادبیات حقوقی و سیاسی به کاررفته در این متون و ضمائم آن، نحوه اعلام نهایی شدن مذاکرات بدون امضای طرفین و در ادامه تأکید بر الزام آوردن تعهدات متن برجام و قطعنامه، ملال آور و مطول بودن هر دو متن، فرایند اجرای متناظر تعهدات طرفین، سازوکار حل و فصل اختلافات فی مابین به صورت یک طرفه، تأیید توافق در قطعنامه شورای امنیت و منضم شدن آن به قطعنامه، لغو ۶ قطعنامه فصل هفتم منشور علیه یک کشور با صدور یک قطعنامه به نفع آن کشور در حالی که قطعنامه های قبلی قابلیت بازگشت مجدد را دارند؛ گستردگی دامنه تعهدات مؤجل طرف های توافق از ۹۰ روز تا ۲۵ سال، اعلام این نکته در برجام که مقررات برجام در زمره عوامل موجد سابقه عرفی

1. Joint Comprehensive Plan of Action

۲. پانوش بند ۱۸ متن برنامه جامع اقدام مشترک.

محسوب نمی‌شود و نمی‌تواند در شکل‌گیری اصول بنیادین حقوق بین‌الملل نقش ایفا کند، صدور یک قطعنامه از سوی شورای امنیت براساس ماده ۵،^۱ نه فصل ششم و هفتم، استناد به ماده ۲۴۱ منشور مندرج در فصل هفتم در ۱۰ بند از ۳۰ بند یک قطعنامه و بالاخره سازوکار و شرایط خاص برگشت‌پذیری قطعنامه‌های پیشین شورای امنیت تحت شرایط خاص و جهات دیگر.

از زمان نگارش برجام تاکنون در نشست‌ها و گفت‌وگوهای زیادی از زوایای گوناگون به این مسئله توجه شده، اما آنچه در این بین حائز اهمیت است، این است که پس از ۸ سال آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ارزیابی نهایی خود را جمع‌آوری و اعلام کرده است که هیچ سند معتبری از انحراف مواد هسته‌ای در خصوص ابعاد نظامی احتمالی برنامه هسته‌ای ایران وجود ندارد. این در حالی است که موضوع ابعاد نظامی احتمالی (PMD)^۲ سفید بسته و اولین گزارش دبیرکل راجع به اجرای قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت صادر و قرائت شده است،^۴ در این مقاله ماهیت برجام بررسی می‌شود. فرضیه این تحقیق این است که برجام یک موافقت‌نامه نژاکتی بین‌المللی است.

تحلیل دلایل مخالفان معاهده بودن برجام

توافق جامع و نهایی هسته‌ای وین با عنوان شناخته شده و رسمی برنامه جامع اقدام مشترک یا

۱. ماده ۲۵ منشور ملل متحد: «اعضای ملل متحد موافقت می‌کنند که تصمیمات شورای امنیت را طبق این منشور قبول و اجرا کنند.»

۲. ماده ۴۱ منشور ملل متحد: «شورای امنیت می‌تواند تصمیم بگیرد که برای اجرای تصمیمات خویش لازم است به چه اقداماتی که متضمن استعمال نیروهای مسلح نباشد، دست بزند؛ همچنان که می‌تواند از اعضای ملل متحد بخواهد که به این قبیل اقدامات مبادرت ورزند. این اقدامات ممکن است شامل متوقف کردن تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی و ارتباطات راه‌آهن، دریایی، هوایی، پستی، تلگرافی، رادیویی و سایر وسایل ارتباطی و قطع روابط سیاسی باشد.»

3. Possible Military Dimensions

۴. در این گزارش آمده است از ۱۶ ژانویه ۲۰۱۶، هیچ گزارش رسمی یا غیررسمی از تهیه، خرید، فروش یا صادرات اقلام ممنوعه مرتبط با هسته‌ای به ایران به دست نرسیده است. همچنین از آن تاریخ، هیچ گزارشی مبنی بر تهیه، خرید، فروش یا صادرات اقلام مرتبط با موشک‌های بالستیک به ایران که مغایر با قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت باشد به دبیرخانه واصل نشده است. با این حال، در مارس ۲۰۱۶ ایران آزمایش‌های موشکی انجام داده است که جزئیات آن به نقل از رسانه‌های ایران و گزارش‌های کشورهای فرانسه، آلمان، انگلستان و آمریکا به اطلاع دبیرکل رسیده است. در ادامه این گزارش آمده است: «بررسی مشروعیت این اقدام در اختیار شورای امنیت است، اما دبیرکل تأکید دارد که همه باید از فضای مثبت به‌وجودآمده پس از برجام استفاده و این موقعیت را در راستای روح سازنده برجام حفظ کنند. در همین جهت وی از ایران خواست تا از انجام این قبیل اعمال خودداری کند، زیرا سبب ایجاد تنش در منطقه می‌شود.»

برجام در راستای توافق جامع بر سر برنامه هسته‌ای ایران و به دنبال تفاهم هسته‌ای لوزان، در سه شنبه ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵) در وین اتریش بین ایران، اتحادیه اروپا و گروه ۵+۱ (شامل چین، فرانسه، روسیه، پادشاهی متحد بریتانیا، ایالات متحده آمریکا و آلمان) منعقد شد (Haidar, 2015: 3). پس از جمع‌بندی متن نهایی برجام به وسیله طرف‌های مذاکره‌کننده، براساس توافق صورت گرفته^۱، در فاصله کوتاهی قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد در خصوص تأیید برجام مطرح شد و به تصویب رسید.^۲

۱. قصد طرفین برجام

متعاقب انعقاد این توافق برخی مدعی بودند چنانکه مجلس وارد موضوع تصویب نشود خود به خود در پایان ۹۰ روز، برجام برای ایران قابلیت اجرایی پیدا می‌کند و در آن زمان استدلال می‌کردند که این به مصلحت نظام است؛ زیرا اگر در آینده با مشکلی در زمینه اجرا مواجه شدیم می‌توانیم مدعی باشیم که مجلس به منزله نماد ملت بر آن صحنه نگذاشته است پس مورد پذیرش ملت نخواهد بود. در واقع به نظر آن‌ها تعهد یا تعهداتی که ایران به عهده گرفته است، تعهدات قوه مجریه است و نه مجموعه دولت ایران، اما در پاسخ به این عده باید گفت پس از ۹۰ روز، برجام خود به خود قابلیت اجرایی نمی‌یافت؛ قابلیت اجرایی در روز اجرا بود و نه در روز پذیرش. روز اجرا با اقدامات ایران و راستی‌آزمایی آژانس و در مقابل لغو برخی تحریم‌ها آغاز می‌شد.^۳

یکی از اقداماتی که باید ظرف ۹۰ روز صورت می‌گرفت تهیه مقدمات اجرا بود؛ از جمله این مقدمات و تمهیدات، طی مراحل تصویب برجام بود. همچنین، اگر برجام را معاهده بدانیم که مجلس نیز آن را معاهده می‌داند (تبصره ۱ از بند ۳ قانون الزام دولت به حفظ دستاوردهای

۱. بند «ن» برنامه جامع اقدام مشترک اشعار می‌دارد: «گروه ۵+۱ پیش‌نویس قطعنامه تأییدکننده این برجام را برای تصویب به شورای امنیت ارائه خواهد کرد که تأکید می‌کند انعقاد این برجام نشانگر یک دگرگونی بنیادین در بررسی این موضوع از سوی شورای امنیت است و تمایل شورا برای برقراری یک رابطه جدید با ایران را اعلام می‌کند. قطعنامه شورای امنیت، همچنین لغو تمامی مفاد وضع شده وفق قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت از روز اجرا؛ ایجاد برخی محدودیت‌های خاص و خاتمه بررسی موضوع هسته‌ای ایران از سوی شورای امنیت سازمان ملل ۱۴ سال پس از روز توافق برجام را مقرر خواهد کرد».

۲. شورای امنیت در جلسه شماره ۷۴۸۸ مورخ ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۵، قطعنامه ۲۲۳۱ را که به پیشنهاد دولت آمریکا مطرح شده بود با ۱۵ رأی مثبت و اتفاق آرا به تصویب رساند. به نقل از:

http://www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/RES/23%20232415%2291

۳. در بند «و» پیوست شماره ۵ که تحت عنوان برنامه اجرا تأیید شده است بدو به روز نهایی شدن توافق اشاره می‌کند و تصویب قطعنامه شورای امنیت را به منزله تأیید نهایی متن توافق می‌پندارد. این در حالی است که روز قبول و اثربخشی توافق ۹۰ روز بعد یا تاریخی که با رضایت طرفین مقرر می‌شود در نظر گرفته شده است.

هسته‌ای^۱) ورود مجلس، ضروری بوده است. سوم اینکه سکوت مجلس در مقابل توافق وزارت خارجه و ارائه آن به مجلس و هن مجلس است حتی اگر معاهده دانسته نشود. در آخر اینکه تفکیک میان قوه مقننه و مجریه در سطح بین‌المللی فاقد وجاهت حقوقی است. دولت، یک مجموعه به هم پیوسته است که حتی موافقت‌نامه‌های ساده یا اجرایی هم کل دولت را ملتزم می‌کند.^۲

گذشته از موضوع بالا، برخی این استدلال را داشتند که چون قصد و نیت طرفین (به‌ویژه ایران و ایالات متحده آمریکا) این بوده است که برجام به طور کلی «توافق حقوقی» نباشد، پس باید قصد مشترک طرفین اصلی این سند را ملاک قرار داد. در کاربرد معنای خاص هر اصطلاح، قصد طرف‌های معاهده، تعیین‌کننده است.^۳ با توجه به مفهوم توافق‌های نزاکتی، این مسئله روشن است که توافق‌های نزاکتی، مستلزم ارتباط‌اند و به رفتار آتی اشاره دارند (Klabbers, 1981: 16). توافق، مستلزم ارتباط است و این ارتباط شفاهی، کتبی یا زبانی خواهد بود (حدادی، ۱۳۹۲: ۱۳۵).

توافق‌ها باید به رفتار آتی اشاره داشته باشند و در روابط آینده طرف‌ها تأثیر بگذارند. لذا هر بیانیۀ مشترک یا سند چندجانبه توافق محسوب نمی‌شود. این دو معیار در معاهدات نیز وجودشان لازم است. اگرچه تفاوت‌های کیفی در ماهیت انتظارات از رفتار عادی وجود دارد، به دلیل گسترش توافق‌های نزاکتی بسیاری از اشکال، ساختارها، آیین‌های اجرا و حتی مقررات خروج همانند معاهدات در خصوص این توافق‌ها نیز به کار گرفته می‌شوند (Hollis & Newcomer, 2009: 521).

اصولاً دولت‌ها تمایل ندارند به طور صریح در موافقت‌نامه‌ها مشخص کنند که توافق به‌عمل آمده، حقوقی و الزام‌آور یا فاقد نیروی الزام‌آور حقوقی است (Schachter, 1981: 106). دیوان بین‌المللی دادگستری بر اهمیت قصد طرف‌ها در تعیین ماهیت سند بین‌المللی و استقلال قصد از شکل تأکید می‌کند. به نظر دیوان مسئله شکل، حوزه‌ای نیست که در آن حقوق بین‌الملل شرایط سخت یا دقیقی اعمال کند (Nuclear Tests Cases, ICJ Rep., 1974: 267-268). دیوان بر این نظر است: «همان‌گونه که در حقوق بین‌الملل معمول است، در مواردی

۱. این‌گونه اشعار می‌دارد: «(۳) هیچ محدودیتی برای کسب دانش و فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای و تحقیق و توسعه پذیرفته نیست و باید مصوبات شورای عالی امنیت ملی رعایت شود. تبصره ۱: براساس اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی نتیجه مذاکرات باید به مجلس شورای اسلامی ارائه شود.»

۲. گزارش نشست تخصصی «ابعاد حقوقی برجام هسته‌ای» قابل دسترسی در پایگاه اطلاع‌رسانی انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد منتشرشده در تاریخ ۱۳۹۴/۶/۱۴ به نشانی:

http://www.iauns.org/internal_news/detailpage/Fa.

۳. بند ۴ ماده ۳۱ کنوانسیون وین در خصوص حقوق معاهدات: در صورتی که ثابت شود قصد طرف‌های معاهده معنای خاصی از یک اصطلاح بوده است، همان معنی به اصطلاح مزبور داده خواهد شد.

که تأکید اصلی روی قصد طرف‌هاست حقوق بین‌الملل شکل خاصی را مقرر نمی‌دارد. طرف‌ها آزادند شکلی که اراده آن‌ها را بیان می‌دارد انتخاب کنند» (Temple of Preah Vihear Case, ICJ Rep., 1961: 34). لذا معیار اصلی آن است که آیا سند خاص، قصد روشن طرف‌ها را برای ایجاد قواعد حقوقی الزام‌آور آشکار می‌کند (Aegean Sea Continental Shelf Case, ICJ Rep., 1978: 39-44).

۲. امضانشدن برجام از سوی طرفین آن

عده دیگری بر این نظرند که چون برجام امضا نشده است پس باید نتیجه گرفت که معاهده نیست. در جواب این دسته از صاحب نظران باید گفت امضا لزوماً به سند ماهیت حقوقی نمی‌بخشد. امضا یکی از اشکال اعلام رضایت دولت‌ها به التزام در قبال معاهدات است.^۱ اشکال دیگر؛ تصویب، تصدیق، مبادله اسناد تصویب و بالاخره پذیرش است که در پیوست شماره پنج برنامه اجرایی آمده است. سابقه تاریخی نیز در حقوق معاهدات وجود دارد از جمله بیانیه‌های الجزایر که هیچ‌گاه به امضای دولت‌های جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا نرسیده است، اما در موافقت‌نامه بین‌المللی بودن آن جای تردید نیست. در خصوص برجام نیز با توجه به «متن گزارش کمیسیون ویژه بررسی برجام در مجلس» باید برجام را یک معاهده سیاسی یا نزاکتی دانست، زیرا در این گزارش مقرر شده است: کمیسیون در مجموع، برجام را یک «توافق سیاسی» میان دولت جمهوری اسلامی ایران و سایر طرف‌های مذاکره (کشورهای ۱+۵ و اتحادیه اروپا) دانسته و بر این باور است که دولت باید زیرساخت‌های هسته‌ای و دستاوردهای آن را با تمام تمهیدات لازم، مراقبت کند تا در صورت نقض عهد از سوی طرف مقابل، تصمیمات مقتضی مبنی بر منافع ملی را به عمل آورد.^۲ علاوه بر این، رئیس جمهور کشورمان در هفتادمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد تأکید کردند: «برجام، یک سند پذیرفته شده چندجانبه است و این سند از نظر حقوق بین‌الملل سازه استواری است که برای اولین بار در تاریخ ملل، دو طرف به جای مذاکره پس از جنگ برای دستیابی به صلح، پیش از مخاصمه به مصالحه دست یافتند».^۳

۱. ماده ۱۱ کنوانسیون وین در خصوص حقوق معاهدات: رضایت یک کشور به التزام در قبال یک معاهده، از طریق امضا، مبادله اسناد تشکیل‌دهنده یک معاهده، تنفیذ، پذیرش، تصویب، الحاق یا به هر وسیله دیگری که مورد توافق قرار گرفته باشد، اعلام می‌شود.

۲. «متن گزارش کمیسیون ویژه بررسی برجام در مجلس» مصوب ۱۳۹۴/۷/۱۱ منتشرشده در تاریخ ۱۳۹۴/۷/۱۲ در پایگاه اینترنتی: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13940712000110>

۳. قابل دسترسی در پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری منتشرشده در تاریخ ۱۳۹۵/۷/۱۰ به نشانی: <http://president.ir/fa>

از طرف دیگر، گروهی بر این نظرند؛ سندی که در چارچوب برجام تنظیم شده منعطف و از نوع حقوق نرم است که در حقوق بین‌الملل از آن تعریفی به عمل نیامده است.^۱ حقوق نرم از جمله حقوقی است که قالب الزام‌آور دارد، اما در محتوا و چگونگی اجرا منعطف و فاقد ضمانت اجرای حقوقی متعارف است. در حقیقت، این یک رویکرد روابط بین‌الملل و نه حقوق بین‌الملل، به مسائل بین‌المللی است. به عبارت ساده‌تر می‌توان گفت این سند پدیده نسبتاً جدیدی است به جای معاهدات کلاسیک که طرفین تعهدات محکم و قطعی می‌دادند و امکان داشت در عمل با مشکل روبه‌رو شوند و به صورت حقوق نرم، تعهد می‌پذیرفتند.

طبق نظر عده‌ای از صاحب‌نظران، نقض برجام مسئولیت بین‌المللی ایجاد نمی‌کند؛ درواقع گروهی از جمله دولتمردان با این استدلال که این توافق تنها یک برنامه و نقشه راه است، نقض آن را موجد مسئولیت بین‌المللی نمی‌دانند (خلیلی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۲۶۲). این در حالی است که در بند ۱ ماده ۲۴ منشور ملل متحد مهم‌ترین مقررۀ منشور یعنی مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بر عهده شورای امنیت نهاده شده است. با استفاده از بند ۱ ماده ۱۱ منشور و مقایسه آن با این ماده می‌توان گفت مسئولیت خلع سلاح و تنظیم (یا کنترل) تسلیحات (که یکی از ابزارهای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است)، در صلاحیت این شورا است (ساعد، ۱۳۸۳: ۵۹). علاوه بر این، بیانۀ سال ۱۹۹۲ سران شورای امنیت، قطعنامه‌های شورا در خصوص عراق و نهایتاً ۲۸ آوریل ۲۰۰۴ (۷ اردیبهشت ۱۳۸۳)، جملگی تصریح کرده‌اند که گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی است (ساعد، ۱۳۸۳: ۵۹).

۳. سازوکار متفاوت برجام

عده‌ای دیگر بر این نظرند؛ چون ترتیبات حل و فصل اختلافات در برجام^۲ متفاوت از روش‌های

۱. «ارزیابی توافق هسته‌ای با معیارهای حقوق بین‌الملل»، گفت‌وگو با دکتر محمدجعفر قنبری جهرمی منتشرشده در تاریخ ۱۳۹۴/۵/۲۷ در پایگاه اینترنتی مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری به نشانی اینترنتی: <http://www.cila.ir/portal/home/>

۲. بندهای ۳۶ و ۳۷ برنامه جامع اقدام مشترک، سازوکار حل و فصل اختلافات احتمالی درباره اجرای برجام را تشریح می‌کند. براساس این بخش چنانکه ایران بر این نظر باشد که هر یک یا کلیه اعضای گروه ۵+۱ تعهدات خود را طبق برجام رعایت نکرده‌اند می‌تواند موضوع را برای حل و فصل به کمیسیون مشترک ارجاع دهد. به همین ترتیب چنانکه هر یک از اعضای گروه ۵+۱ نیز نسبت به رعایت نکردن تعهدات ایران معترض باشند می‌توانند اقدام مشابه را انجام دهند. کمیسیون مشترک ۱۵ روز فرصت دارد تا موضوع را فیصله دهد، مگر اینکه این زمان با اجماع تمدید شود. چنانکه اختلاف حل و فصل نشود موضوع به وزاری خارجه ارجاع می‌شود و وزیران ۱۵ روز فرصت دارند موضوع را فیصله دهند مگر اینکه این زمان با اجماع تمدید شود. پس از این مرحله، عضو شاکی یا عضوی که اجرای تعهداتش زیر سؤال بوده است می‌تواند درخواست کند تا موضوع از سوی هیأت مشورتی که متشکل از ۳ عضو خواهد بود بررسی شود. هیأت مشورتی باید نظریه

سیاسی و حقوقی معمولی حل و فصل اختلافات است پس معاهده نیست. در پاسخ باید مرقوم داشت، پیش‌بینی سازوکار حل اختلاف در برجام، خود حاکی از موافقت‌نامه بین‌المللی بودن آن است؛ هرچند بسیاری از معاهدات، فاقد سازوکار حل و فصل اختلاف اند. اینکه سازوکار متفاوت است به توافق طرف‌ها بستگی دارد.

گذشته از مورد اشاره شده، برخی تأکید دارند که چون در متن برجام بیشتر از قید will استفاده شده و نه shall، از این رو تعهدآور نیست؛ در پاسخ به این موضوع باید تأکید کرد: اولاً صرف کاربرد مکرر واژه will در یک متن، کل آن متن را به یک توافق تشریفاتی تبدیل نمی‌کند. ثانیاً در مواردی نیز کلمه will به کار برده نشده و از واژه‌هایی چون agree، implementation و Undertaken که حداقل دلالت بر الزام اخلاقی دارد استفاده شده است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که ممکن است در یک توافق حقوقی بین‌المللی مقرراتی وجود داشته باشد که حداقل تعهد مستقیماً از آن برنخیزد مانند قواعد اختیاری یا تکمیلی در حقوق داخلی، اما برعکس نمی‌شود در یک موافقت‌نامه نزاکنی یا اخلاقی مقررات تعهدآور باشد. عموماً وقتی چنین شرایط سختی در مذاکرات حساس بین‌المللی پیش می‌آید، خلاقیت در عبارت پردازی حرف اول را می‌زند. وقتی در محتوا کار با سختی روبه‌روست، یافتن کلمات و عبارات مناسبی که نظر طرف‌های مذاکره را تأمین کند نقش مهمی در بازکردن راه تفاهم ایفا می‌کند. به همین دلیل، درک مفاهیم پیچیده پشت این متن‌ها برای افراد خارج از مذاکره به توضیحات فنی، سیاسی و حقوقی نیاز دارد (بعیدی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۶). متن برجام نیز دیدگاهی را که مبتنی بر روح داوطلبانه آن است تأیید می‌کند و مهم‌ترین نشانه بر این ادعا، آخرین سطر «مقدمه و مفاد عمومی برنامه جامع اقدام مشترک»^۱ است که این‌گونه نگارش شده است: «... ایران و گروه ۵+۱ اقدامات داوطلبانه زیر را در چارچوب زمانی که جزئیات آن در این برجام و پیوست‌های آن تشریح شده است، اتخاذ خواهند کرد» (Mardani, 2016: 83).

۴. فقدان تعیین امین برای برجام

برخی این‌گونه استدلال می‌کنند که چون برجام، امین ندارد در نتیجه معاهده نیست. اولاً امین

غیرالزام‌آوری را ظرف ۱۵ روز ارائه دهد. چنانکه موضوع فیصله نیابد و شاکي بر این نظر باشد که موضوع مصداق «عدم پایبندی اساسی» است، آن طرف می‌تواند موضوع را به‌منزله مبنای توقف کلی یا جزئی اجرای تعهداتش قلمداد یا به شورای امنیت ابلاغ کند. در ادامه شورای امنیت می‌بایست در خصوص قطعنامه‌ای برای تداوم لغو تحریم‌ها تصمیم‌گیری کند. چنانکه این قطعنامه طی ۳۰ روز به تصویب نرسد مفاد قطعنامه‌های سابق مجدداً اعمال خواهند شد. ایران بیان داشته است که چنانکه تحریم‌ها جزئی یا کلی مجدداً اعمال شوند، ایران این امر را به‌منزله زمینه‌ای برای توقف کلی یا جزئی تعهدات خود طبق برجام قلمداد خواهد کرد.

1. Iran and E3/EU+3 will take the following voluntary measures within the timeframe as detailed in this JCPOA and its Annexes

معاهده مختص معاهدات چندجانبه است. حال باید به این سؤال پاسخ داد که آیا می‌توان برجام را به فرض معاهده بودن، دوجانبه تلقی کرد یا باید آن را چندجانبه دانست. از یک سو سند مذکور دوجانبه است، زیرا یک طرف دولت ایران است و طرف مقابل، ۶ کشور و لذا تعهدات نیز دوجانبه و متقابل است: ایران در برابر هر یک از طرف‌های مقابل و آن‌ها نیز در برابر ایران. از سوی دیگر، برجام چندجانبه است، زیرا ۷ یا به بیانی ۸ طرف دارد. البته دوجانبه یا چندجانبه بودن یک معاهده تأثیری در ماهیت و آثار حقوقی آن ندارد؛ به نظر می‌رسد برجام یک موافقت‌نامه نزاکتی دوجانبه است. طبق آیین عام مشترک در کلیه معاهدات اعم از دوجانبه یا چندجانبه، اسناد تصویب باید مبادله شوند؛ افزایش تعداد معاهدات چندجانبه موجب شده است که عمل مبادله در معاهدات چندجانبه به تودیع اسناد تصویب نزد امین تبدیل شود. اما کماکان معاهدات دوجانبه تابع مبادله اسناد تصویب است. حال حتی اگر برجام را یک معاهده چندجانبه نیز بدانیم طبق ماده ۷۶ کنوانسیون وین در خصوص حقوق معاهدات، کشورهای شرکت‌کننده در مذاکره می‌توانند در خود معاهده یا به صورت دیگری امین معاهده را انتخاب کنند. بنابراین، تعیین امین جزو عناصر تشکیل‌دهنده معاهده نیست؛ یعنی با مبادله هم می‌توان کار تودیع را انجام داد.

۵. تعیین‌نکردن روند تصویب در برجام

برخی این‌گونه استدلال می‌کنند که چون در برجام تصویب پیش‌بینی نشده است، لذا معاهده نیست و لازم نبود مجلس آن را تصویب کند. در پاسخ به این امر نیز باید تأکید کرد شیوه‌های اعلام رضایت به التزام در قبال معاهدات را قانون داخلی به خصوص حقوق اساسی هر کشور مشخص می‌کند. در واقع در مقابل گروه ذکرشده، گروهی دیگر با استناد به اصل حاکمیت قانون بر این نظرنند که این متن ناگزیر باید به تصویب مجلس نیز می‌رسید. این گروه که نظرشان صائب به نظر می‌رسد در اثبات نظر خویش به این دلایل تمسک می‌کنند: اول اینکه بنا بر دوگانگی نظام حقوقی داخلی و بین‌المللی و اقتضای حاکمیت قانون اساسی مطابق اصول ۷۷ و ۱۲۵ عهدنامه‌ها و مقاله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های دولت ایران با سایر دولت‌ها، باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. دقت در صورت مشروح مذاکرات مجلس به روشنی حاکی از آن است که مقنن، هر سند متعهدکننده کشور را مدنظر قرار داده و بر رعایت احتیاط تصریح کرده است. از این رو، روح قانون در اصل ۷۷ مؤید این مطلب است که اگر روی اموال عمومی و بیت‌المال یا شئون ملت، قرارداد و تعهدی بسته شود، باید مجلس که نماینده ملت است، از آن آگاه باشد و اجازه انعقاد آن قرارداد را بدهد. شورای نگهبان نیز طبق اصل ۹۸ قانون اساسی در بند ۲ نظریه تفسیری خود به شماره ۹۹۹۳ مورخ ۱۳۶۲/۹/۸ به صراحت، ملاک لزوم تصویب

توافقات بین‌المللی را «تعهدآور بودن» بیان کرده است.^۱ در واقع اطلاق و عمومیت اصول ۷۷ و ۱۲۵، تمام اسنادی که برای کشور از نظر بین‌المللی ایجاد تعهد کند، فارغ از نام و عنوان آن را دربر می‌گیرد. بنابراین، با توجه به اصالت محتوا در معاهدات، هرگونه تعهد بین‌المللی که به هر عنوانی کشور را متعهد کند، مشمول این اصول واقع شده است که باید به تصویب مجلس برسد (خلیلی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۲۶۴).

برخی نیز در تلاش‌اند این نظر را تحمیل کنند که چون آلمان، انگلیس، فرانسه، روسیه و چین برجام را به مجالس قانون‌گذاری خود برای تصویب ارائه نداده‌اند پس برجام معاهده نیست. آن‌ها بر این نظرند که شرایط کشورهای طرف تفاهم، پذیرش ماهیت حقوقی آن را ناممکن کرده است. در حقیقت ایالات متحده آمریکا با مشکل مخالفت‌کنگره مواجه است و اتحادیه اروپا نیز رویه‌ای کاملاً روشن دارد که در هر صورت، در شورای وزیران اتحادیه اروپایی در خصوص تفاهمات تصمیم‌گیری می‌شود و به‌هیچ‌وجه تفاهمی برای تصویب به مجالس قانون‌گذاری کشورهای عضو ارسال نمی‌شود و روسیه و چین نیز اساساً تعهدات مشخصی در این تفاهم ندارند که بخواهند آن را برای تصویب پارلمانی به مجلس ببرند (بعیدی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۸). در مقابل این دیدگاه بایستی خاطر نشان کرد که اولاً ورود مجلس به موضوع معاهدات یک موضوع داخلی است که قانون اساسی هر کشور تکلیف را مشخص می‌کند. ثانیاً از پنج کشور، سه کشور آن عضو اتحادیه اروپا هستند و نماینده اتحادیه، گرداننده اصلی تهیه و تنظیم برجام است و محور اصلی برجام لغو تحریم‌های ایران است که به تصویب شورای وزیران امور خارجه اتحادیه رسیده و حتی قطعنامه شورای امنیت نیز مورد توجه شورای مذکور قرار گرفته است. به عبارت بهتر، دیگر برای این سه کشور دلیلی برای تصویب مجالس قانون‌گذاری داخلی نیست. ثالثاً روسیه و چین طبق قانون اساسی شان تصویب این‌گونه معاهدات را به عهده رئیس‌جمهور خود گذاشته‌اند و نه پارلمان.^۲

از سوی دیگر، برخی اعلام می‌دارند از آنجا که طرف اصلی یعنی آمریکا برجام را معاهده نمی‌داند جمهوری اسلامی ایران نیز مختار است که آن را معاهده بداند یا نداند. در پاسخ به این دسته از صاحب‌نظران باید گفت برجام یک موافقت‌نامه بین‌المللی است. اعلام وزارت خارجه

۱. شورای نگهبان در نظریه تفسیری اشاره شده در پاسخ به سؤال دولت اعلام می‌دارد: یادداشت تفاهم نیز چنانکه ایجاد تعهد کند مانند قراردادهای بین‌المللی باید تشریفات قانونی مربوط را طی کند، بنابراین به نظر می‌رسد مقصود آن شورا این بوده است که در جمهوری اسلامی ایران، برای معاهده‌دانستن و لزوم تصویب مجلس می‌بایست معیار و ملاک را «ایجاد تعهد» دانست.

۲. اصل ۸۶ قانون اساسی فدراسیون روسیه اشعار می‌دارد: «رئیس‌جمهور فدراسیون روسیه باید: ... (b) مذاکرات و امضای معاهدات و توافق‌نامه‌های فدراسیون روسیه را انجام دهد». از طرف دیگر، در اصل ۸۱ قانون اساسی جمهوری خلق چین این‌گونه مقرر شده است: «رئیس‌جمهور جمهوری خلق چین، از جانب جمهوری خلق چین معاهدات و توافق‌نامه‌های مهم که با کشورهای دیگر منعقد شده را تأیید می‌کند».

جمهوری اسلامی ایران یا ایالات متحده که برجام معاهده نیست به نزاکتی بودن برجام خدش‌های وارد نمی‌کند. اظهارات و بیانات طرفین به خصوص یک طرف چون با نص در تعارض است فاقد وجهت قانونی است. علاوه بر این، به نظر می‌رسد به مصلحت کشور ما باشد که برجام معاهده نزاکتی تلقی شود، زیرا طرف امریکایی ممکن است با معاهده‌ندانستن آن به دنبال این امر باشد که زمینه را برای اجرانکردن آن فراهم کند.

برخی دیپلمات‌ها نیز بر این نظرند برجام یک موافقت‌نامه نزاکتی است. طبق نظر مسئولان ارشد وزارت خارجه کشورمان این سند حاوی تعهدات سیاسی و داوطلبانه است که نافی تکالیف و الزامات حقوقی داخلی است (بعیدی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۸). موافقت‌نامه نزاکتی یا اخلاقی دارای ماهیت، خصوصیات و آثار سیاسی است که اگر یک طرف آن را نقض کند باید در انتظار واکنش سیاسی طرف دیگر بود. همان‌طور که در صدر این نوشتار، به ویژگی‌های این نوع از موافقت‌نامه‌ها اشاره شد در نظام حقوقی ایران در آیین‌نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافق‌های بین‌المللی مصوب ۱۳۷۱ هیأت وزیران، تقسیم‌بندی توافق‌های بین‌المللی دولت به توافق‌های حقوقی و نزاکتی مشاهده می‌شود. براساس ماده ۱ این آیین‌نامه: «توافق نزاکتی توافقی است ناشی از روابط بین‌الملل که به موجب آن دستگاه دولتی تصمیم خود به تعقیب سیاست‌های معینی را اعلام می‌نماید، بدون اینکه اثر حقوقی لازم‌الاجرائی بر آن مترتب باشد». از نظر شورای نگهبان نیز وفق نظریه‌ای که در بالا به آن اشاره شد، این گونه برمی‌آید که اولاً از نظر شورای نگهبان عنوان تأثیری در ماهیت ندارد و ثانیاً با توجه به مفهوم مخالف، توافق‌ها چنانکه تعهد حقوقی به دنبال نداشته باشند، قرارداد (یا به عبارت صحیح‌تر معاهده) نخواهند بود (حدادی، ۱۳۹۲: ۱۳۳).

همچنین، از نظر مخالفان معاهده حقوقی بودن برجام، اولاً گروه ۵+۱ یک شخصیت حقوقی مستقل ندارد و یک سازمان بین‌المللی محسوب نمی‌شود، بلکه یک گروه غیررسمی است. دوم اینکه طبق کنوانسیون وین، معاهده سندی است که تعهدآور باشد، اما برجام، تعهدآور نیست چون در راستای لغو یا محدودکردن تعهدات شورای امنیت است، نه ایجاد تعهد جدید؛ درواقع منشأ تعهدات ایران ناشی از مصوبات شورای امنیت است نه برجام. بنابراین، برجام راهکاری است اجرایی برای لغو تعهدات الزام‌آوری که در ۶ قطعنامه شورای امنیت علیه ایران تحمیل شده است. برجام تعهدی بر طرف ایرانی ایجاد نکرده، بلکه تعهدزدایی کرده است. پس خصوصیت اصلی معاهده را که باید تعهدآور باشد برجام ندارد در نتیجه از نظر حقوقی معاهده محسوب نمی‌شود. تعهدات ایران و سایر کشورهای عضو NPT مبنی بر توسعه‌ندادن سلاح‌های هسته‌ای ناشی از NPT است که این پیش‌تر به تصویب مجلس شورای

اسلامی رسیده است (کنعانی، ۱۳۹۴: ۲).^۱ این نیز ماهیت نزاکتی تعهدات برجام را تأیید می‌کند.

۶. دیدگاه ایالات متحده درباره ماهیت برجام

نامه‌ای که به‌تازگی از سوی مایک پمپئو^۲ منتشر شده حاکی از آن است که وزارت امور خارجه ایالات متحده بر این امر تأکید دارد که برجام مطابق حقوق بین‌الملل الزام‌آور نیست. این نامه در پاسخ به سؤال پمپئو درباره اینکه چرا برجام بدون امضا به کنگره آورده شد، صادر شد. وزارت خارجه ایالات متحده در بخشی از این نامه اظهار می‌دارد برنامه جامع اقدام مشترک یک موافقت‌نامه یا توافق‌نامه اجرایی نیست و از همین رو یک سند امضاشده محسوب نمی‌شود. برنامه جامع اقدام مشترک تعهدات سیاسی بین ایران و ۵+۱ و اتحادیه اروپا را نشان می‌دهد. ایالات متحده در پرداختن به مشکلات حساس در مذاکراتی که تعهدات سیاسی در آن‌ها به حد اعلی می‌رسد، سابقه زیادی دارد. موفقیت برجام به این موضوع که از نظر حقوقی الزام‌آور یا امضا شده است یا نه؟ بستگی ندارد، بلکه به اقدامات گسترده امنیتی ایالات متحده که در جای خود اعمال خواهد شد وابسته است. همچنین، ایران درک می‌کند که ایالات متحده توانایی این را دارد در صورتی که ایران به تعهدات خویش پایبند نباشد تحریم‌هایمان را مجدداً تحمیل و اعمال کنیم. جک گلدسمیت و بلینگر نیز این موضوع را به وضوح بیان کرده‌اند. جک اشاره کرد که توافق منعقدشده توافق اجرایی ناخالص و صرفاً یک توافق سیاسی است که تعهدات حقوقی الزام‌آور ایجاد نمی‌کند، حتی اگر الزامی هنجاری در بستر سیاسی یا اخلاقی داشته باشد و همان‌گونه که جان استدلال می‌کند در حالی که قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد که برخی از مفاد برجام را اجرا می‌کند مطابق حقوق بین‌الملل الزام‌آور باشد برجام به‌خودی‌خود الزام‌آور نیست. قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد، ایالات متحده را به لغو تحریم‌های داخلی ملزم نمی‌کند.

با اینکه این مسئله جدید نیست مسئله برجام از سوی چندین کاندیدای جمهوری خواه انتخابات ۲۰۱۶ ریاست جمهوری از جمله ترامپ و مارکو آنتونیو روبریو بحث و بررسی موشکافانه شده است و آن‌ها بیان داشته‌اند در صورتی که به‌منزله رئیس جمهور برگزیده شوند توافق با ایران را زیر پا خواهند گذاشت. دو موضوع مرتبط با هم در اینجا وجود دارد؛ اول،

۱. کنعانی، استادیار دانشگاه و رئیس سابق کمیته ملی حقوق بشردوستانه ایران، روزنامه ایران/ پنجشنبه هشتم مرداد ۱۳۹۴.

۲. مایک پمپئو (Mike Pompeo) نماینده حوزه انتخابیه چهارم کانزاس از حزب جمهوری خواه آمریکا در مجلس نمایندگان است که برای نخستین بار در ۵۵ ژانویه ۲۰۱۱ میلادی به عضویت این مجلس درآمد.

همان‌گونه که در بالا اشاره شد، برجام به منزله یک موافقت‌نامه سیاسی - نزاکتی مطابق حقوق بین‌الملل الزام‌آور نیست. مسئله دوم اینکه آیا تعهدات مندرج در برجام براساس حقوق داخلی ایالات متحده الزام‌آور است؟ مقاله‌ای که در مجله آتلانتیک^۱ منتشر شده است ادعای مارکو آنتونیو روبیو را به صراحت نادرست می‌داند و توافق با ایران را موافقت‌نامه اجرایی پذیرفته شده از سوی کنگره همچون موافقت‌نامه‌های صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، نفت و سازمان تجارت جهانی می‌داند. اما همان‌طور که نامه وزارت امور خارجه مقرر داشته است برجام چنین موافقت‌نامه‌ای نیست، زیرا رئیس‌جمهور ایالات متحده مطابق حقوق داخلی این اختیار را داشته است که تحریم‌ها علیه ایران را لغو و دیگر نیاز نبوده است از کنگره مجوز دریافت کند. بنابراین، ضروری است رئیس‌جمهور امریکا به ایران اعلام کند که برداشته شدن تحریم‌ها در اجرای برجام، ناشی از اختیارات قانونی مجاز وی است. رئیس‌جمهور آینده ایالات متحده می‌تواند از چنین اختیار قانونی استفاده و به ایران اعلام کند که او در راستای منافع و امنیت ملی امریکا مجدداً تحریم‌ها را اعمال می‌کند. البته می‌توان گفت این استفاده قانونی از اختیارات از سوی اوباما برای چشم‌پوشی کردن از تحریم‌ها علیه ایران می‌تواند از سوی رئیس‌جمهور بعدی با استناد به همین اختیارات قانونی مجدداً برقرار شود.

جک نیز بر این نظر است که رئیس‌جمهور ایالات متحده و تیم حقوقی وی برجام را با دقت و منعطف در برابر مخالفت کنگره، طراحی کرده‌اند. رئیس‌جمهور ایالات متحده این را می‌دانسته است که از حمایت کافی کنگره در جهت تغییر قوانین تحریمی داخلی برخوردار نیست. اما او همچنین محاسبه کرده است که حتی مطابق قانون، کنگره نمی‌تواند برای اینکه وی با اعمال اختیارات قانونی خویش از تحریم‌ها چشم‌پوشی کند به اکثریت بالایی دست یابد. بنابراین، او آنچه را که در راستای حل و فصل موضوع اراده کرده بود به دست آورده است، هرچند وزارت خارجه تحت امر وی اکنون برجام را یک تعهد سیاسی می‌داند و بنابراین رئیس‌جمهور آینده را به برجام ملتزم نمی‌کند. از این رو رئیس‌جمهور آینده روی این بستر حقوقی استوار خواهد ایستاد و مختار به رد یا قبول موافقت‌نامه خواهد بود. البته این موضوع که رد برجام سیاست خوبی برای ایالات متحده خواهد بود یا خیر مسئله‌ای علی‌حده است (Weybrecht, 2015: 1).

۱. آتلانتیک یکی از مجله‌های آمریکایی است که در ابتدا تحت عنوان ماهنامه آتلانتیک در سال ۱۸۵۷ در بوستون ماساچوست تأسیس شد. عمده موضوعات چاپ‌شده در مجله در خصوص سیاست خارجی، علم سیاست، اقتصاد، هنر، فناوری و تکنولوژی است. اما مطالب جانبی دیگری چون نقد کتاب و بررسی مسائل فرهنگی نیز در آن گنجانده می‌شود.

۷. لزوم تصویب شورای عالی امنیت ملی

برخی از صاحب نظران، اجرایی شدن برجام را منوط به تصویب شورای عالی امنیت ملی می دانستند. اصل ۱۷۶ قانون اساسی صلاحیت های شورای عالی امنیت ملی را بر شمرده است. بر این اساس، تصویب نهایی یک موافقت نامه بین المللی و سلب صلاحیت از مجلس در چارچوب هیچ یک از بندهای سه گانه اصل مذکور قرار نمی گیرد. البته ممکن است این شورا، امضای توافق نامه بین المللی را از حیث امنیتی به مصلحت کشور بداند یا نداند که در این صورت می تواند تنها نظر مشورتی خود را به مجلس ارائه دهد. هر چند این نظر، الزامی را در خصوص تصویب کردن یا نکردن توافق نامه برای مجلس ایجاد نمی کند و نمایندگان در تصویب کردن یا نکردن آن مختارند. اشاره به این نکته ضروری است که با فرض پذیرش نقش شورای عالی امنیت ملی، این شورا تنها به مسائل مربوط به امنیت کشور رسیدگی خواهد کرد و با توجه به وجود و لزوم بررسی ابعاد مختلف فنی، اقتصادی و فرهنگی برجام براساس قانون اساسی، رسیدگی و تصویب از صلاحیت شورا خارج خواهد بود (خلیلی نژاد، ۱۳۹۴: ۲۶۳).

برجام به مثابه موافقت نامه بین المللی نزاکتی

هر معاهده بین المللی، یک توافق بین المللی و تابع حقوق بین الملل است، اما هر توافق بین المللی را نمی توان یک معاهده بین المللی قلمداد کرد. بنابراین، برخی از توافقاتی بین المللی - اعم از حقوقی یا سیاسی - معاهده بین المللی محسوب نمی شوند و در نتیجه خارج از شمول حقوق بین الملل اند^۱ (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۵: ۹۷). آن بخش از توافقاتی بین المللی منعقد شده بین دولت ها و سازمان های بین المللی به دو دسته «توافقاتی اخلاقی یا نزاکتی» و «توافقاتی حقوقی» تقسیم می شوند.

رویه دولت ها نشان می دهد آن ها در کنار انعقاد توافقاتی بین المللی، موافقت نامه های غیر حقوقی (نزاکتی) نیز منعقد می کنند، موافقت نامه هایی که موجد تعهداتی با ماهیت صرفاً اخلاقی یا سیاسی اند. خصوصیت مهم این توافقاتی آن است که هیچ گونه الزام حقوقی برای طرف های آن در پی ندارد و این توافقاتی از دو نوع توافقی که دولت ها در آن به دنبال ایجاد تعهدات حقوقی اند یعنی معاهدات و قراردادهای بین المللی متمایز می شوند. در معاهدات، تعهدات حقوقی تابع حقوق بین الملل اند و در قراردادهای بین المللی این تعهدات تابع

۱. در عرصه بین المللی توافقاتی فراوانی میان تابعان حقوق بین الملل (کشورها یا سازمان های بین المللی) و غیر تابعان مانند توافق میان دولت ها با نهادهای غیردولتی، دولت ها با اشخاص خصوصی خارجی و غیر آن منعقد می شود که از تمامی آن ها به توافق بین المللی تعبیر می شود. به نقل از: ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۵، صص ۹۰-۹۱.

نظام‌های حقوق داخلی قرار می‌گیرند (Widdows, 1979: 144-149). بر این اساس، نقض تعهدات مندرج در توافق‌های نزاکتی به مسئولیت بین‌المللی دولت ناقض منجر نمی‌شود و بحث آثار و اجرای مسئولیت در خصوص نقض این توافق‌ها منتفی است. البته نقض چنین توافق‌هایی ممکن است در شرایط و اوضاع و احوال خاص با قواعد عام تعاملات سیاسی و دیپلماتیک مغایر تلقی شود و عکس‌العمل متقابل طرف دیگر همچون توسل اقدام تلافی‌جویانه غیردوستانه را در پی داشته باشد (Fiedler, 1981: 106).

اینکه موافقت‌نامه‌های نزاکتی در دسته حقوق قوام‌نیافته قرار می‌گیرند، محل تردید است. حقوق قوام‌نیافته معانی متعددی دارد. برخی بر این نظرند اساساً در حقوق قوام‌نیافته بحث حقوقی بودن یا نبودن مطرح نیست، بلکه درجه الزام‌آور بودن یا قابلیت اجرایی از نرم به سخت مطرح است (Boyle, 1979: 901-913). ویل از حقوق قوام‌نیافته دو مفهوم ارائه می‌دهد: اول، هنجارهایی که در عین حال که دقیق‌اند، قصد بر آن است که به تعهدات حقوقی بین‌المللی منجر نشوند؛ دوم، هنجارهای حقوقی که بسیار مبهم یا فاقد سازوکار اجرایی‌اند و به این دلیل امکان اجرای آن‌ها وجود ندارد (Weil, 1983: 417).

منظور از توافق‌های نزاکتی آن دسته از توافق‌هایی است که میان تابعان حقوق بین‌الملل منعقد شده‌اند و طرفین به دنبال ایجاد تعهد سیاسی و اخلاقی نه تعهد حقوقی بین‌المللی‌اند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۰: ۹۰). در این قبیل موارد، دولت‌ها میان خود پیمان‌هایی بسته‌اند که متضمن هیچ‌گونه تعهد حقوقی نبوده است. خصوصیت این پیمان‌ها، اعلام قواعد یا بیان تعهدات متقابل دولت‌هایی بوده است که در انعقاد این پیمان‌ها مشارکت داشته‌اند (فلسفی، ۱۳۸۳: ۹۷). تردیدی در این امر نیست که حتی این‌گونه توافقات پیامدها و عواقب متعددی را به دنبال خواهند داشت، زیرا ممکن است به‌واسطه برخی توافق‌های نزاکتی، در عمل آثار و نتایج مثبت یا منفی بسیاری برای دولت یا ملت به دنبال داشته باشد، اما این آثار از منظر حقوق بین‌الملل جنبه حقوقی و الزام‌آور برای آن دولت نداشته باشد و دولت ملزم به پذیرش آن‌ها نباشد (خلف‌رضایی، ۱۳۹۴: ۲۲).

از منظر عرف بین‌المللی، موافقت‌نامه حقوقی بین‌المللی هرگونه توافقی است که میان تابعان حقوق بین‌الملل و به منظور ایجاد آثار حقوقی معین طبق قواعد حقوق بین‌الملل منعقد می‌شود (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۰: ۹۰). وفق ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین حقوق معاهدات، توافق بین‌المللی این‌گونه تعریف شده است: «معاهده عبارت است از یک توافق بین‌المللی که بین کشورها به صورت کتبی منعقد شده و مشمول حقوق بین‌الملل باشد، صرف نظر از عنوان خاص آن و اعم از اینکه در سندی واحد یا در دو یا چند سند مرتبط به هم منعکس شده باشد». از این رو، علاوه بر اینکه طرف‌های معاهده بایستی از تابعان حقوق بین‌الملل باشند باید دو مؤلفه بارز یک معاهده حقوقی بین‌المللی را نیز دارا باشند. این دو مؤلفه عبارت‌اند از: اولاً

معاهده باید دارای الزام حقوقی و بیان حقوق و تکالیف طرف های معاهده باشد. ثانیاً معاهده تابع حقوق داخلی کشورها نباشد و مقررات حقوق بین الملل بر آن حکمفرما باشد (خلف رضایی، ۱۳۹۴: ۱۳).

آنچه در تعیین حقوقی یا اخلاقی بودن توافق نامه دارای اهمیت است ایجاد آثار و الزامات حقوقی بین المللی میان تابعان حقوق بین الملل است و عنوان، تفاوتی در ماهیت این موافقت نامه ها ایجاد نخواهد کرد (وکیل، ۱۳۹۰: ۶۳).^۱ مهم ترین معیار به منظور تشخیص حقوقی یا نزاکتی بودن یک توافق، توجه به مفاد توافق، نهادهای ناظر و آثار و نتایج حقوقی مترتب بر آن و قواعد در نظر گرفته شده برای ضمانت اجرای توافق است که طرفین مبتنی بر آن توافق یا در متن موافقت نامه به آن تصریح کرده اند. در صورتی که با تحلیل و تفسیر این معیار روشن شود که طرفین در صدد ایجاد آثار حقوقی بین المللی از نتیجه توافق خود بوده و آن را در چارچوب موازین حقوق بین الملل تنظیم کرده و ضمانت اجرای حقوقی برای آن در نظر گرفته اند، بی تردید چنین توافقی در قالب یک معاهده حقوقی منعقد شده است و در غیر این صورت باید آن را توافق نزاکتی یا اخلاقی نام گذاری کرد (فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۴: ۴).

توافق های نزاکتی این فرصت را به دولت ها می دهند که آثار قواعد را در عمل مشاهده کنند و از نتایج به دست آمده درس بگیرند (دومینک کارو، ۱۳۷۵: ۱۷۲). در سطح داخلی نیز قوه مجریه، که متولی انعقاد این نوع توافقات است، ممکن است به دلیل موانعی از حیث قانون اساسی یا مشکلات سیاسی داخلی، تمایلی به ایجاد تعهدات حقوقی بین المللی برای خود نداشته باشد و لذا مبادرت به انعقاد این نوع توافقات کند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۵: ۱۳). اینک لازم است قبل از نتیجه گیری نهایی، اشاره مختصری نیز به ارتباط بین قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت و برجام شود.

تحلیل قسمت ۳۴ برجام،^۲ به یقین نشان دهنده این است که برجام یک معاهده حقوقی

۱. به نقل از میرعباسی، ۱۳۷۷، ص ۲۹.

۲. مطابق این متن: الف) روز نهایی شدن، تاریخی است که در آن مذاکرات برجام میان گروه ۵+۱ و ایران جمع بندی شده است و بی درنگ به دنبال آن، «قطعنامه ای که این برجام را تأیید می نماید» به شورای امنیت برای تصویب بدون تأخیر تسلیم خواهد شد. ... ج. روز اجرا، زمانی است که در آن، هم زمان با گزارش آژانس مبنی بر راستی آزمایی اجرای تدابیر مرتبط با هسته ای ایران به نحو مندرج در بخش های ۱۴.۱ تا ۱۴.۱۲ پیوست ۵، اتحادیه اروپا و ایالات متحده به ترتیب اقدامات مشروحه در بخش های ۱۵ و ۱۶ پیوست ۵ را انجام داده اند و «منطبق با قطعنامه شورای امنیت»، اقدامات شرح داده شده در بخش ۱۷ پیوست ۵ در سطح سازمان ملل متحد انجام می شود. ... ه) روز خاتمه قطعنامه، روزی است که در آن، «قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد که این برجام را تأیید می نماید»، منطبق با شرایط خود خاتمه لغو خواهد شد. برگرفته از قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت منتشره در پایگاه اطلاع رسانی سازمان ملل متحد به نشانی اینترنتی:

[http://www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/RES/2231\(2015\)](http://www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/RES/2231(2015))

بین‌المللی نیست (Mardani, 2016: 83)، بلکه همان‌گونه که اشاره شد موافقت‌نامه‌ای نزاکتی است.

ارتباط قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت و برجام

برای حصول تحلیل جامعی از ماهیت برجام می‌بایست ارتباط بین برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد بررسی شود. از نگاه حقوق بین‌الملل، برجام و قطعنامه شورای امنیت چه رابطه‌ای دارند؟ در مقام تحلیل و بررسی این ارتباط می‌توان به نکاتی اشاره کرد که در زیر می‌آیند:

۱. تمایز مفاد قطعنامه از مفاد برجام

قطعنامه و برجام دو سند جداگانه‌اند و ماهیت متفاوتی دارند. مؤید این مطلب نیز بند ۱۸ متن قطعنامه ۲۲۳۱ است که صراحتاً در پانویش متن خود تأکید کرده «مفاد این قطعنامه به منزله مفاد این برجام نیست».^۱ هرچند برجام یکی از پیوست‌های قطعنامه شورای امنیت است و در متن برجام به لزوم تصویب قطعنامه اشاره شده، اما الزامات ذکر شده در قطعنامه صرفاً تعهدات توافق شده در برجام نیست و موضوعات دیگری را نیز شامل می‌شود (فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۴: ۱۲). در واقع، نقض قطعنامه به منزله نقض برجام نیست، اما نقض برجام محتمل است به معنای نقض قطعنامه و برجام باشد، زیرا در حالت کلی هدف اصلی قطعنامه علاوه بر رفع تحریم‌ها، تضمین حسن اجرای برجام است.

۲. قطعنامه به مثابه سازوکار اجرایی برجام

دولت‌های ۵+۱ از طریق ارائه و تصویب قطعنامه تعهد خود را به خاتمه‌بخشیدن به قطعنامه‌های تحریمی سابق عملیاتی کردند؛ لذا از این منظر، قطعنامه، سازوکاری برای اجرای تعهدات مندرج در برجام که بر دوش دولت‌های ۵+۱ گذاشته شده است، محسوب می‌شود. در واقع در ذیل بند (a) بند ۷، خاتمه قطعنامه‌های سابق اعلام و در بند ۸ به خاتمه مقررات و مواد قطعنامه ۲۲۳۱ اشاره شده است و به شرطی که در این دوره ۱۰ ساله تحریم‌ها بازنگردد، وضعیت ایران و پرونده آن از دستورکار شورای امنیت برای همیشه خارج خواهد شد. اما نکته اساسی دیگر در این زمینه، نظارت شورای امنیت بر برخی فعالیت‌هایی است که در برجام پیش‌بینی شده است. در این پنج بند تأکید شده است که قطعنامه چگونه تعهدات

1. The provisions of this Resolution do not constitute provisions of this JCPOA.

طرف‌ها در برجام را عملیاتی می‌کند. یکی از این کارکردها نظارت است. در بند ۱۶ قطعنامه، وظیفه بررسی توصیه‌های کمیسیون مشترک مندرج در برجام در خصوص طرح‌های دولت‌ها برای مشارکت در برنامه هسته‌ای ایران از جمله راکتور اراک یا برنامه‌های تحقیق و توسعه و برنامه‌هایی که به موجب برجام اجازه داده شده است بر عهده شورای امنیت قرار می‌گیرد. با نگاهی به مقدمات قطعنامه ۲۲۳۱ معلوم می‌شود که بحث‌های اقتصادی، حفاظت اطلاعات، همکاری، روابط جدید و مسائلی از این قبیل، بسیار مهم و بازگشت‌پذیری از آن‌ها بسیار دشوار است.

با تمرکز بر الفاظ به کار برده شده در برجام و با تکیه بر اقدامات و اظهارات طرفین آن، همچنین با تأکید بر اصل حاکمیت قانون در عرصه داخلی و بین‌المللی، نزاکتی بودن سند مورد بحث اقوی است. در واقع می‌توان گفت برجام، عباراتی را به کار برده است که مفید تعهد اخلاقی و نزاکتی است و نمی‌تواند ماهیتی غیر از آن داشته باشد. قسمت اول مقدمه برجام صرفاً یک وضعیت را روشن می‌کند و مسئولیت حقوقی را ایجاد نمی‌کند. با وجود این، در پاراگراف بعد، دوباره بر یک شرط تأکید می‌شود. سپس، در ابتدا مواد عمومی و در قسمت شروع، وضعیت یا موقعیت جدیدی را اضافه می‌کند و آن وابستگی برجام به تصویب شورای امنیت است که بر ضمیمه شدن برجام به قطعنامه تأکید دارد. در عبارت دیگر، این‌گونه برداشت می‌شود که اگر تعهدی وجود دارد ناشی از قطعنامه است و نه برجام به‌خودی‌خود.

نتیجه‌گیری

معیار تعیین‌کننده در ارزیابی اینکه سندی توافق حقوقی باشد یا غیر آن، اصولاً قصد طرف‌ها مبنی بر ایجاد حقوق و تعهدات حقوقی میان خود است. چنین قصدی از طریق تفسیر اراده طرفین، اوضاع و احوال زمان انعقاد و بررسی سایر نشانه‌ها کشف می‌شود. انعقاد توافق‌های نزاکتی در حقوق بین‌الملل ممنوع نیست، اما به دلیل ماهیت غیرحقوقی، مقررات بین‌المللی به‌ویژه حقوق معاهدات به طور کامل بر آن‌ها اعمال نمی‌شود. در واقع هر نوع توافق منعقد شده میان دولت‌ها را نمی‌توان معاهده یا حتی یک توافق بین‌المللی مشمول نظام حقوق بین‌الملل که دارای آثار حقوقی باشد دانست.

بنا به تحلیل بالا، نتیجه اینکه برجام یک موافقت‌نامه سیاسی یا نزاکتی است. نمی‌توان گفت چون برجام به شورای امنیت برده شده است سند یک‌جانبه وابسته به سازمان ملل متحد است. ادبیاتی که برای برجام پیش‌بینی شده با ساختار حقوقی تصویب معاهدات متفاوت است. شورای امنیت با تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ اشعار می‌دارد برجام بخشی از قطعنامه شورای امنیت است و این سند بخشی از اعتبار خود را از قطعنامه شورای امنیت می‌گیرد. به همین دلیل لازم نیست

آن را معاهده تلقی کرد و به تصویب مجلس شورای اسلامی نیز نیاز نیست، زیرا ماده ۲۵ منشور می‌گوید قطعنامه‌های شورای امنیت برای همه کشورهای الزام‌آور است. از طرفی، اگر در صفحه ششم متن توافق نگاه شود صحبت از اقدامات داوطلبانه به میان می‌آید و کلماتی به کار رفته است که به نوعی نشان‌دهنده متعهدشدن نیست. با این حال، نمی‌توان پذیرفت که برجام هم معاهده بین‌المللی است و هم نیست. در خود برجام هیچ کجا از معاهده‌بودن آن حرفی به میان نیامده است و ادبیاتی که برای الزام‌آوربودنش پیش‌بینی شده است کاملاً با ساختار حقوقی تصویب معاهدات متفاوت است. اگر به ساختار معاهدات نگاه شود اغلب تاریخ امضا دارند که نشان می‌دهد مذاکرات خاتمه یافته و متن نهایی است. همچنین، تاریخ تصویب دارند که این تاریخ در معاهدات بین‌المللی ذکر و به آن اشاره می‌شود که چه اقداماتی لازم است تا معاهده اجرایی شود. در متن برجام عناصر گفته‌شده، رعایت نشده است و به جای امضا، به روز نهایی اشاره شده است یعنی روزی که دیگر متن قابل تغییر نیست.

توافق برجام بر مبنای حقوق بین‌الملل منعقد شده است، اما طرفین مناقشه زمانی که موافقت‌نامه ژنو، لوزان و بعد بیانیه وین منعقد می‌شد هیچ‌گاه به معاهده‌بودن اذعان نکرده‌اند. بند ۶ برجام به اصول منشور ملل متحد اشاره می‌کند و تأکید دارد که برجام در چارچوب اصول منشور است. با توجه به جهات، دلایل و مستنداتی که ذکر شد، فرضیه اصلی نگارندگان مشعر بر اینکه برجام موافقت‌نامه بین‌المللی نزاکتی است و در نتیجه از لحاظ حقوقی الزام‌آور نیست به اثبات می‌رسد. در خصوص ارتباط بین قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد و برجام نیز بایستی اشعار داشت، برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت به واسطه ارتباطی که بین آن‌ها در نظر گرفته شده است در یکدیگر تأثیرگذار خواهند بود، اما هر یک استقلال وجودی و ماهیتی متفاوت دارند. در واقع، نقض قطعنامه موصوف به مثابه نقض برنامه جامع اقدام مشترک نیست، اما نقض مندرجات برجام ممکن است نقض قطعنامه باشد.

منابع

الف) فارسی

۱. ابراهیم‌گل، علیرضا (۱۳۹۰). *مسئولیت بین‌المللی دولت (متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل)*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول.
۲. احدیان، محمدسعید (۱۳۹۴). *برجام در تحلیل کلان و خرد*، مشهد، مؤسسه فرهنگی-هنری خراسان، چاپ اول.
۳. ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله (۱۳۹۴). «کالبدشناسی مذاکره هسته‌ای ایران و آمریکا تا حصول برجام و تصویب قطعنامه ۲۲۳۱»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال هشتم،

شماره ۳۰، ۹-۵۶.

۴. افراز کنجین، مهدی و زمانیان دهکردی، محمدجواد (۱۳۹۴). *هلی تیرن از پشت میز (اهداف راهبردی ایالات متحده از پیگیری مذاکرات دوجانبه با ایران در موضوع هسته‌ای)*، قم، نشر مجد اسلام (مؤسسه شهید کاظمی)، چاپ اول.
۵. بعیدی‌نژاد، حمید (۱۳۹۴). *گام به گام با برجام از آغاز تا فرجام*، تهران، نشر مخاطب، چاپ اول.
۶. بیگزاده، ابراهیم (۱۳۸۹). *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول.
۷. پژوهشکده حقوقی شهر دانش (۱۳۹۵). *برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۸. پژوهشکده شورای نگهبان (۱۳۹۲). *ماهیت حقوقی برنامه اقدام مشترک ژنو*، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان.
۹. تقی‌زاده انصاری، مصطفی (۱۳۸۵). «بررسی قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت از نگاه حقوق بین‌الملل»، *مجله حقوقی عدالت آرا*، سال دوم، شماره ۴۵، ۹۲-۱۰۳.
۱۰. حدادی، مهدی (۱۳۹۲). «موافقت‌نامه‌های نزاکتی از منظر حقوق بین‌الملل»، *مجله حقوقی بین‌الملل*، سال سی‌ام، شماره ۴۸، ۱۲۹-۱۵۰.
۱۱. خلف‌رضایی، حسین (۱۳۹۴). *موافقت‌نامه‌های بین‌المللی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با بررسی تحلیلی نظرات شورای نگهبان*، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان، چاپ اول.
۱۲. خلیلی‌نژاد، روح‌الله (۱۳۹۴). *تحلیل و بررسی حقوقی برنامه هسته‌ای ایران با گروه ۵+۱*، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول.
۱۳. دریایی، محمدحسن (۱۳۹۲). *مذاکرات هسته‌ای ۵+۱ توافق ژنو*، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ اول.
۱۴. رضایی‌پیش‌رباط، صالح (۱۳۹۱). *مقدمه‌ای بر حقوق بین‌الملل هسته‌ای*، تهران، اندیشه عصر، چاپ اول.
۱۵. روحانی، حسن (۱۳۹۲). *امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای*، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، چاپ هفتم.
۱۶. _____ (۱۳۹۲). *روایت تدبیر و امید*، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، چاپ دوم.
۱۷. سادات‌میدانی، حسین (۱۳۸۴). *صلاحیت قانون‌گذاری شورای امنیت*، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول.
۱۸. ساعد، نادر (۱۳۸۳). «فرایند خلع سلاح و کنترل تسلیحات در حقوق بین‌الملل منشور: از

- نظر تا عمل»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال ۳۴، شماره ۶۵، ۸۵-۵۹.
۱۹. سرتیپی، حسین و حجت‌زاده، علیرضا (۱۳۹۲). *حقوق امنیت هسته‌ای*، تهران، نشر بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول.
۲۰. سلیمی‌ترکمانی، حجت (۱۳۹۴). *حقوق بین‌الملل هسته‌ای*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول.
۲۱. صابری‌انصاری، بهزاد (۱۳۹۴). *معاهدات در گذر زمان*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول.
۲۲. ضیایی‌بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۵). *حقوق بین‌الملل عمومی*، تهران، گنج دانش، چاپ بیست و ششم.
۲۳. _____ (۱۳۹۲). *حقوق معاهدات بین‌المللی*، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ پنجم.
۲۴. ظریف، محمدجواد و سجادی‌پور، محمدکاظم (۱۳۹۱). *دیپلماسی چندجانبه، بویایی مفهومی و کارکردی سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی*، تهران، نشر وزارت امور خارجه، چاپ اول.
۲۵. عنایت، حسین (۱۳۷۰). *تنظیم معاهدات بین‌المللی در حقوق کنونی ایران*، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول.
۲۶. غمامی، سید محمد مهدی و نصراللهی نصرآباد، علیرضا (۱۳۹۳). «تحلیل حقوقی ماهیت و اعتبار برنامه اقدام مشترک با تأکید بر اصل حاکمیت قانون اساسی»، فصلنامه دانش حقوق عمومی، سال سوم، شماره ۸، ۸۹-۱۱۳.
۲۷. فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۸۳). *حقوق بین‌الملل معاهدات*، تهران، فرهنگ نشر نو، چاپ دوم. _____ (۱۳۹۰). *صلح جاویدان و حکومت قانون-دیالکتیک همانندی و تفاوت*، تهران، فرهنگ نشر نو، چاپ اول.
۲۸. گرچن، سیدو (۱۳۸۴). *مذاکرات بین‌الدولی و تصمیم‌سازی در سازمان ملل متحد (کتاب راهنمای سازمان‌های غیر دولتی)*، ترجمه آزاده ثبوت و سعید نوری‌نشاط، تهران، دفتر هماهنگ‌کننده سازمان ملل متحد مقیم در جمهوری اسلامی ایران با همکاری برگ زیتون، تهران، چاپ اول.
۲۹. محبی، محسن و رضادوست، وحید (۱۳۹۴). «تفسیر تکاملی معاهدات در حقوق بین‌الملل در پرتو قضیه اختلاف در خصوص کشتی‌رانی و حقوق مربوط به آن (کاستاریکا علیه نیکاراگوئه)»، مجله حقوقی بین‌الملل، سال ۳۲، شماره ۵۳، ۹-۳۹.
۳۰. مطلبی، مهدی (۱۳۹۴). *راز آنچه مرقوم داشته‌اند (نقد و بررسی توافق‌نامه ژنو و سوئیس به همراه بررسی تاریخچه مذاکرات هسته‌ای از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۴)*، قم، نشر مجد اسلام

- (مؤسسه شهید کاظمی)، چاپ اول.
۳۱. موسی‌زاده، رضا (۱۳۸۷). *حقوق معاهدات بین‌الملل*، تهران، نشر میزان، چاپ سوم.
۳۲. میرعباسی، سیدباقر (۱۳۷۶). *حقوق بین‌الملل عمومی*، تهران، نشر دادگستر، چاپ اول.
۳۳. _____ (۱۳۷۷). *مسئله قراردادهای بین‌المللی، موضوع اصل ۹۹ و ۱۲۳ قانون اساسی*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴۲، ۲۵-۵۲.
۳۴. نیکول، دلر، آرجون، ماکیحانی و جان، باروز (۱۳۸۳). *حاکمیت قدرت یا حاکمیت قانون؛ ارزیابی سیاست‌ها و اقدامات آمریکا در مورد معاهدات امنیتی*، ترجمه کاظم غریب‌آبادی و سیدحسین حجازی، تهران، مؤسسه ابرار معاصر، چاپ اول.
۳۵. وکیل، امیرساعد (۱۳۹۰). *حقوق بین‌الملل عمومی*، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول.
۳۶. وکیل، امیرساعد و تحصیلی، زهرا (۱۳۹۲). *ایران و تحریم‌های بین‌المللی*، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول.

ب) انگلیسی

37. Bjorge, Eirik, (2014), *the Evolutionary Interpretation of Treaties*, Oxford, England, Oxford University Press.
38. Boyle A. E., "Some Reflections on the Relationship of Treaties and Soft Law", ICLQ, 1979, vol. 48, No 4, pp. 901 ° 913.
39. Brownlie, Ian, (1998), *The rule of law in international affairs: international law at fiftieth anniversary of the United Nations*, Leiden, Boston, Martinus Nijhoff Publishers and The Hague Academy of International Law.
40. Conference On "*International Rule Of Law And The Mandate Of The United Nations*", (Moscow, 2 Nov. 2000), Represented In "*Entering The 21st Century: Toward The Rule Of Law In International Relation*".
41. Fiedler K., "Gentlemen's Agreement" , Encyclopedia of Public International Law, 1981, vol. 7, p. 106.
42. Haidar, Jamal Ibrahim, (2016). *Sanctions and Exports Deflection: Evidence from Iran*, Munich, Economic Policy.
43. Hollis, Duncan & Newcomer, Joshua (2009), *Political Commitments and the Constitution*, Virginia Journal of International Law, Vol. 49, No.3, pp. 508-581.
44. Joyner, Daniel H., (2016), *Iran's Nuclear Program and International Law*, Oxford, England, Oxford University Press, 1st Edition.
45. Joyner, Daniel H., (2016), *The Joint Comprehensive Plan of Action Regarding Iran's Nuclear Program*, Available from: <http://opiniojuris.org/2015/07/15/guest-post-the-joint-comprehensive-plan-of-action-regarding-irans-nuclear-program/> [Accessed 16 October 2016].
46. Klabbbers, Jan (1998). *The Concept of Treaty in International Law*, Kluwer Law International, Vol. 91, No. 4, pp. 748-750.
47. Koskeniemi, Martti, (2008), *The Function of Law in The International Community: 75 Years After*, British Year Book of International Law, pp. 353-

- 366.
48. Mardani, Nader, Hooshmand, Mohammad Mehdi, (2016), *JCPOA; A Dialectical Paradigm of Treaty and Other International Instruments*, Journal of Politics and Law, Vol 9, No 3.
49. *Millennium Declaration*, (September 8, 2000), United Nations, A/Res/55/2.
50. Murphy, John F., (2007), *Is U.S. Adherence to the Rule of Law in International Affairs Feasible?*, International Humanitarian Law Series, Vol. 15, pp. 197-227.
51. Nuclear Tests Cases (Australia v. France New Zealand v. France), ICJ Reports, 1974, pp. 267-268.
52. Schachter O., "The Twilight Existence of Nonbinding International Agreements", A, 1981, vol. 7, p. 106.
53. Statement by the President of the Security Council, (22 June 2006), on: *Strengthening international law: rule of law and maintenance of international peace and security*, S/PRST/2006/28.
54. Temple of Preah Vihear Case (Cambodia v. Thailand), ICJ Reports, 1961, p. 34.
55. Waldock, Humphrey, (1964), *Third Report on the law of Treaties*, YILC, vol 2.
56. Weil, Prosper, (1983), *Toward Relative Normativity in International Law*, EJIL, vol.77, No.3. PP. 413-433.
57. Widdows K., "What Is an Agreement in International Law?", The British Yearbook of International Law, 1979, vol. 50 (1), pp. 144 ° 149
58. Weybrecht, Matthew, *State Department Affirms That Iran Deal Is Only a Political Commitment*, Saturday, November 28, 2015. Available from: <https://www.lawfareblog.com/state-department-affirms-iran-deal-only-political-commitment> [Accessed 14 October 2016].